

قالب در شعر کودک و نوجوان؛ بایدها و نبایدها

انسیه موسویان

قالب شعر کودک و نوجوان، این جا و آن جا مطرح می‌شود، در این مقاله می‌کوشیم شعر کودک و نوجوان را از منظر «قالب» در چند سال اخیر مورد بررسی قرار دهیم. امیدوارم این نوشتار مختصر، خود جرقه و زمینه‌ای برای تحقیقات مفصل‌تر و پژوهش‌های علمی گسترده‌تر در این زمینه باشد.

قالب

در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی در تعریف قالب چنین می‌خوانیم:

«قالب در لغت به معنی شکل، هیئت... تن، بدن و نیز آلت ریختن مجسمه و زینت‌آلات... آمده است. در اصطلاح ادبیات، قالب به‌طور کلی شکل بیرونی اثر است، برخی آن را به معنی نوع ادبی (مثلاً قالب رمان، قالب داستان کوتاه و...) و پاره‌ای دیگر به مفهوم الگوهای وزنی، تعداد مصراع یا بیت و مسائلی نظیر این‌ها به کار برده‌اند، مثلاً قالب مستزاد، قصیده، غزل و... اما به معنی خاص هر گاه از قالب یک اثر ادبی سخن به میان می‌آید شکل ظاهری و ساختمان و همچنین سبک آن اثر مورد نظر است.»^۱

شعر کودک و نوجوان در کشور ما به کودکی نوپا می‌ماند. چرا که هنوز این نوع ادبی آن‌گونه که باید و شاید به جایگاه مشخص و تثبیت شده‌ای نرسیده است و دریچه‌های ناگشوده و راه‌های نارفته و تجربه نشده‌ی زیادی فرا روی آن است. بر خلاف شعر کهن فارسی که بیش از هزار سال از عمر آن می‌گذرد و در طول تاریخ ادبیات فارسی نمونه‌های موفق و درخشانی در تمام قالب‌ها از آن به‌جا مانده است، شعر کودک و نوجوان ما هنوز در مرحله‌ی آزمون و تجربه است، هنوز رو به سمت رشد و تکامل دارد و افق‌های دوری فراروی آن گسترده است. بحث درباره‌ی فراز و فرودها و تغییرات قالب و وزن شعر کودک و نوجوان از آغاز شکل‌گیری این نوع ادبی تا امروز، قطعاً نیاز به تحقیقی جداگانه و زمانی طولانی‌تر دارد و اکنون زمان مناسبی برای قضاوت درباره‌ی آن نیست. اما با توجه به تلاش‌هایی که اخیراً از سوی برخی شاعران در جهت ایجاد تغییر و ابتکار در عرصه‌ی فرم و ساختار شعر کودک و نوجوان صورت گرفته است (نظیر سرودن شعرهای بی‌وزن) و بحث‌هایی که به‌طور پراکنده درباره‌ی

آن، ابتکاراتی ایجاد کردند. به عنوان مثال گاه قافیه را در مصراع‌های اول و سوم و گاه در اول و چهارم، دوم و سوم و یا اول و دوم و چهارم رعایت کردند. این شکل‌های متفاوت در حال حاضر نیز در شعر کودک و نوجوان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما شکل کلی و پذیرفته شده‌تر آن همان است که در هر بند مصراع دوم و چهارم هم‌قافیه باشند. سهولت در رعایت قافیه یکی از دلایل استقبال شاعران از این قالب است. به علاوه در چهارپاره محدودیت ابیات وجود ندارد و شاعر می‌تواند به تعداد مورد نیاز و دلخواه بندها و پاره‌های چهارپاره را ادامه دهد. وزن‌های مورد استفاده‌ی شاعران برای این قالب نیز عمدتاً اوزان کوتاه و روان است که در قالب مصراع‌هایی کوتاه ارائه می‌شود و خواندن و به خاطر سپردن آن را برای کودکان آسان‌تر می‌کند. همین ویژگی‌ها سبب می‌شود که موضوعات مختلف روایی، توصیفی و... را به راحتی بتوان در این قالب ارائه کرد.

نمونه‌های بسیار خوب و موفق در این قالب برای کودکان و نوجوانان سروده شده است که قطعاً همه‌ی ما خوانده یا شنیده‌ایم و نیازی به ذکر مثال در این زمینه نیست.

سه پاره‌ها

در سال‌های اخیر برخی شاعران کودک و نوجوان تلاش کرده‌اند دست به ابتکاراتی در قالب چهارپاره بزنند و به فرم‌های تازه‌تر دست یابند. در این زمینه با تغییراتی که در قالب چهارپاره ایجاد شده است به شکل جدیدی با عنوان «سه پاره» می‌رسیم.

سه پاره‌ها نوعی شعر هستند که به جای چهار مصراع از سه مصراع تشکیل شده‌اند و محل قرار گرفتن قافیه در آن‌ها هم متفاوت است:

او قطره‌ای خوب است

من قطره‌ای خوبم

تو قطره‌ای بهتر

•

من گوشه‌ای تنها

تو گوشه‌ای غمگین

او گوشه‌ای دیگر

•

یک قطره بی‌سود است

یک قطره ناچیز است

یک قطره بی‌یاور

•

با هم اگر باشیم

هستیم یک دریا

پر موج و بارآور...

(رحماندوست - باغ مهربانی‌ها)

زرد زرد / طلا طلا / برگ درختان

آنچه در شعر کودک و نوجوان نیز با عنوان قالب شعر از آن یاد می‌کنیم عموماً همان معنایی است که در شعر بزرگسال فارسی مدنظر است؛ یعنی شکل ظاهری و فرم بیرونی شعر که عموماً دو عنصر وزن و قافیه در شکل‌گیری آن تأثیرگذار هستند. قالب‌های شعر فارسی براساس نوع وزن، تعداد ابیات و چگونگی و محل قرار گرفتن قافیه از یکدیگر متمایز می‌شوند.

با نگاهی به تاریخچه‌ی شعر کودک و نوجوان و آغازین شعرهایی که به مفهوم امروزی از آن به عنوان شعر کودک و نوجوان یاد می‌کنیم، در می‌یابیم که قالب «چهارپاره» از آغاز تاکنون قالب مسلط بر عرصه‌ی شعر کودک و نوجوان بوده است.

چهارپاره که از آن با عنوان دوبیتی‌های پیوسته نیز یاد می‌شود یکی از انواع شعر فارسی است که بسیاری از شاعران معاصر از جمله نیما یوشیج، - قبل از ابداع شعر نو و بعد از آن - آن را به کار برده‌اند.

«چهارپاره‌های پیوسته، در حقیقت دنباله‌ی تجربه‌هایی هستند که شاعران از دوره‌ی انقلاب مشروطه به بعد برای یافتن راه‌هایی تازه‌تر و آزادتر برای بیان مضمون‌های جدیدی که وارد شعر شده بود انجام داده‌اند... برخی از شاعران یا ایجاد تنوع‌هایی در قالب‌های قدیم، به شکل‌های آزادتری در شعر دست یافتند، محمدرضا میرزاده عشقی، ادیب‌الممالک فراهانی، ملک‌الشعرای بهار، ابوالقاسم لاهوتی و... از جمله این شاعران هستند که تجربه‌های آن‌ها مقدمه‌ی ایجاد چهارپاره‌های پیوسته به عنوان قالبی تازه در شعر فارسی معاصر شد.»^۲

شاعرانی چون محمود کیانوش و پروین دولت‌آبادی که به نوعی ادامه‌دهندگان شعر نو نیمایی بودند و شعر کودک به مفهوم امروزی آن با سروده‌های آنان آغاز شد، شعرهایی در قالب چهارپاره سرودند. این اشعار که در کتاب‌هایی مستقل و هم‌چنین در مجلات پیک و رشد دانش‌آموز و بعضاً در کتاب‌هایی درسی به چاپ رسیدند، به عنوان الگوهای اصلی شعر کودک شناخته شدند و پس از آن شاعران دیگری که برای کودکان و نوجوانان شعر می‌سرودند از این قالب استقبال کردند به گونه‌ای که امروز می‌توانیم از قالب چهارپاره به عنوان قالب یک‌تاز و مسلط شعر کودک و نوجوان یاد کنیم.^۳

چرا چهارپاره؟

چهارپاره که آن را «مثنوی عمودی» یا «مثنوی شکسته» هم می‌نامند در واقع شباهت زیادی به قالب مثنوی دارد. در مثنوی، مصراع‌ها، دو به دو با یکدیگر هم‌قافیه هستند، در چهارپاره نیز مصراع‌های دوم و چهارم هر بند هم‌قافیه‌اند. البته شاعرانی که برای نخستین بار به سرودن این قالب روی آوردند در طرز به‌کارگیری قافیه در

سرد سرد / باد خزان / توی گلستان

برگ برگ / توی هوا / مثل پرنده

باد باد / سوی زمین / مثل خزنده

قار قار / کلاغکی / بر لب ایوان

دنگ دنگ / خبر خبر / زنگ دبستان
(شعبانی - رنگین کمان کودکان)

مثنوی

یکی از قالب‌های کلاسیک شعر فارسی که برای کودکان و نوجوانان هم مناسب به نظر می‌رسد، قالب مثنوی است. پیش‌تر اشاره شد که مثنوی به سبب برخورداری هر بیت از قافیه‌ای مستقل و نیز عدم محدودیت در تعداد ابیات می‌تواند قالب مناسبی برای موضوعات روایی و قصه‌ها و افسانه‌های موزون باشد. چنان‌که در طول تاریخ ادبیات فارسی منظومه‌های زیادی در این قالب سروده شده است اما نمونه‌های مثنوی در شعر کودک و نوجوان بسیار اندک است و به نظر می‌رسد آن‌گونه که شایسته است از قابلیت‌های این قالب در عرصه شعر کودک و نوجوان استفاده نشده است. شاید یکی از دلایل این امر تسلط قالب چهارپاره بر این عرصه باشد که شباهت زیادی به مثنوی دارد.

در آثار قیصر امین‌پور و برخی دیگر از شاعران کودک و نوجوان به‌طور پراکنده به نمونه‌هایی از مثنوی‌های موفق برمی‌خوریم. از جمله مثنوی زیبا و به یاد ماندنی امین‌پور که این‌گونه آغاز می‌شود:

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا
خانه‌ای دارد کنار ابرها
مثل قصر پادشاه قصه‌ها
خشتی از الماس و خشتی از طلا
پایه‌های بُرجش از عاج و بلور
بر سر تختی نشسته با غرور...
(امین‌پور - به قول پرستو)

دوبیتی و رباعی

این دو قالب نیز به‌طور محدود توسط برخی از شاعران کودک و نوجوان مورد استفاده قرار گرفته و تجربه شده است. از جمله می‌توان به قیصر امین‌پور، بیوک ملکی، مصطفی رحماندوست و... اشاره کرد.

رباعی که در شعر قدیم فارسی بیش‌تر در خدمت بیان معانی فلسفی و حکمی بود و دوبیتی که برای بیان احساسات عاشقانه و سوز و گدازهای فراق و وصال و... به کار می‌رفت در شعر کودک و نوجوان به دنیای آن‌ها

نزدیک می‌شود و شاعران تلاش کرده‌اند درون‌مایه‌ی رباعی و دوبیتی را به دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های کودک و نوجوان نزدیک‌تر کنند.

به عنوان نمونه می‌توان به رباعی و دوبیتی‌های زیر اشاره کرد که هم دارای زبانی نو و امروزی هستند و هم به لحاظ مضمون و درون‌مایه متناسب با دنیای کودک و نوجوان:

آبی که میان جوی‌ها می‌گردید
با زمزمه رفت تا که رودی را دید
با رود یکی شد و خروشید و گذشت
تا این‌که به دریای پر از موج رسید
(رحماندوست - کوچه‌های آبی)
نسیم آمد به دور خانه بارید
و باران دانه دانه بارید
پس از آن روی گل‌های شکفته
از اوج آسمان پروانه بارید
(ملکی - از هوای صبح)



زمین برف، هوا برف
در آسمان رها، برف
چکیده دانه دانه
به شهر و روستا، برف
سپید و پاک و روشن
نشسته هر کجا، برف...
(نیک‌طلب- نردبانی از ستاره)
دوستان، دوستان خوب و عزیز
از سفر باز می‌رسد پاییز
فصل نارنج و پرتقال و انار
وقت بادام و توت خشک و مویز...
می‌شود سرد و خشک و خالی و زرد
جنگل و دشت و جلگه و جالیز...
(نردبانی از ستاره)

نیک‌طلب درباره‌ی این تجربه‌ی خود می‌گوید:

«من معتقدم اگر در غزل بتوانیم ویژگی‌های شعر کودک را رعایت کنیم مثل وزن کوتاه، زبان ساده و محتوای کودکانه، قطعاً تجربه‌های موفق‌تری خواهیم داشت. به عنوان مثال من تلاش کرده‌ام در این‌گونه غزاه، مصاعفها، ۱۱ نصف کنم. وقتی می‌گویم:

خانه در انتظار گل
باغچه بی‌قرار گل
موسم برف رفت و شد
فصل گل و بهار گل
چلچله مژده می‌دهد
آمده روزگار گل...»

هر کدام از مصراع‌های این غزل در واقع نصف یک مصراع غزل بزرگ سال است.»

وی ادامه می‌دهد: «با سرودن این غزل‌ها تلاش کرده‌ام پلی بین دیروز و امروز و فردا ایجاد کنم، اگر شعر کودک من غزل باشد و کودکان آن را بخوانند و با آن ارتباط برقرار کنند، می‌توان امیدوار بود که از این طریق کودکان ما بتوانند به خواندن غزل‌های شاعران بزرگ فارسی علاقه‌مند شوند.»

نیک‌طلب درباره‌ی واکنش مخاطبین در مواجهه با این قالب می‌گوید:

«بعضی از این غزل‌ها ترانه شد و بچه‌ها آن‌ها را دوست داشتند، برخی از آن‌ها وارد کتاب‌های درسی شد و در مسابقات مشاعره‌ی کانون پرورش فکری که من چند دوره به عنوان داور حضور داشتم، دیدم که بچه‌ها به راحتی این غزل‌ها را حفظ می‌کنند و می‌خوانند...»

با همه‌ی این اوصاف غزل، از سوی سایر شاعران کودک و نوجوان مورد استقبال جدی واقع نشده است.

سایر قالب‌های کلاسیک

اگر کسی مدعی شود برای کودک یا نوجوان شعری

تو هم چون غنچه‌های چیده بودی
که در پرپر شدن خندیده بودی
مگر راز حیات جاودان را
تو از فهمیده‌ها فهمیده بودی؟
(امین‌پور- مثل چشمه مثل رود)

غزل

باز آمد بوی ماه مدرسه
بوی بازی‌های راه مدرسه
بوی ماه مهرماه مهربان
بوی خورشید پگاه مدرسه
از میان کوچه‌های خستگی
می‌گریزم در پناه مدرسه...
روز اول لاله‌ای خواهم کشید
سرخ، بر تخته سیاه مدرسه!
(مثل چشمه مثل رود)

این شعر را زنده‌یاد قیصر امین‌پور در شهریور سال ۱۳۶۳ سروده است. شاید آن قدر این شعر برای ما آشنا و ملموس است که هیچ‌گاه به قالب آن فکر نکرده‌ایم. این شعر در قالب «غزل» سروده شده است؛ قالبی که شاید در نگاه اول با شعر کودک و نوجوان بیگانه به نظر برسد. اما واقعیت این است که همین نمونه موفق می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که می‌توان در قالبی چون غزل هم شعری با حال و هوای کودکانه و متناسب با دنیا و ذهن و زبان و احساس کودکان سرود.

بابک نیک‌طلب نیز از جمله شاعرانی است که در این عرصه دست به تجربیاتی زده است. در کتاب «نردبانی از ستاره» سروده‌ی این شاعر، ۹ شعر در قالب غزل می‌خوانیم. ویژگی غزل‌های او در این مجموعه، انتخاب اوزان کوتاه و قافیه‌های ساده و روان- بعضاً در کنار ردیف‌ها، ساده- است:



قالب‌های نو (الف) نیمایی

شعر نو نیمایی با مصراع‌های کوتاه و بلند و با حفظ وزن عروضی و استفاده از قافیه هر جا که شاعر احساس نیاز کند، یکی از قالب‌هایی است که در سال‌های اخیر مورد استقبال بسیاری از شاعران کودک و نوجوان قرار گرفته است و نمونه‌های خوب و موفق در این قالب سروده شده است:

قلکت را بشکن
پول‌ها را بردار
یک سبد بوی گل سرخ بخر
بسپارش به نسیم
همه‌جا پخش کنند...

قلکت را بشکن
پول‌ها را بشمار
و ببین
آن قدر هست که با آن بشود کاری کرد
تا غم مادر کم‌تر بشود

یا دوايي بخري
که پدر
بخورد خستگی‌اش در برود...
(علاء- یک سبد بوی بهار)

در آثار شاعرانی چون رحماندوست، شعبانی، شعبان‌نژاد، آتوسا صالحی و... نمونه‌های خوبی از شعر نیمایی به ویژه برای نوجوانان می‌خوانیم. یکی از نمونه‌های به یاد ماندنی و زیبای شعر نیمایی که به کتاب‌های درسی هم راه پیدا کرده است، شعر «راز زندگی» قیصر امین‌پور است:

غنچه با دل گرفته گفت:
«زندگی

لب ز خنده بستن است
گوشه‌ای درون خود نشستن است...»

گل به خنده گفت:

«زندگی شکفتن است

باز بان سبز راز گفتن است...»

(امین‌پور- به قول پرستو)

ب) شعر سپید یا منثور

در ادبیات انگلیسی، شعر سپید به شعری اطلاق می‌شود که دارای وزن اما بدون قافیه است (blank verse). صفت blank به معنای خالی یا سپید، اشاره به خالی بودن جای قافیه در این نوع شعر دارد. اما در ادبیات فارسی، شعر سپید به شعری اطلاق می‌شود که به ظاهر نه وزن دارد و نه قافیه. به عبارت دیگر از وزن عروضی و قافیه مطابق شعر قدیم فارسی، پیروی نمی‌کند. گاهی نیز اصطلاح «شعر منثور» را برای آن به کار می‌برند.

با آمدن کتاب‌های ترجمه و استقبال کودکان و نوجوانان از شعر شاعرانی چون «شل سیلوراستاین» برخی

در قالب «ترکیب‌بند» یا «مستزاد» سروده است، شاید در وهله‌ی اول کمی عجیب و باور نکردنی به نظر بیاید. اما این اتفاق افتاده است! مصطفی رحماندوست برای بچه‌ها «مستزاد» سروده است و در کتاب «یک سبد بوی بهار» از افشین علاء، شعری در قالب «ترکیب‌بند» می‌خوانیم که این‌گونه آغاز می‌شود:

خسته‌ام از این خیابان‌های شیک
پارک‌های خشک خالی از تلیک
هیچ دستی در خیابان‌های شهر
توی مشت من نمی‌ریزد ولیک...
(علاء- یک سبد بوی بهار)

هر چند سرودن شعر در این قالب‌ها نشان از ظرفیت و قابلیت بالای قالب‌های شعر کلاسیک فارسی برای کودکان و نوجوانان دارد، با این وجود تعداد این شعرها آن قدر اندک و انگشت‌شمار است که نمی‌توان به عنوان یک تجربه‌ی جدی به آن نگریست.

قالب‌های ترکیبی

مصطفی رحماندوست که سال‌های سال است برای کودکان و نوجوانان شعر می‌سراید، می‌گوید:

«حدود ۱۰ سالی می‌شود که دیگر چهارپاره کار نکرده‌ام.» او از شیوه و شگردی نام می‌برد که در شعر خردسال آن را تجربه کرده و موفق هم بوده است: شیوه‌ی تغییر قالب در یک اثر و یا ترکیب قالب‌های مختلف.

«در ترانه‌هایی که برای خردسال کار کرده‌ام این شیوه را به کار گرفته‌ام، شروع شعر با چهارپاره است و سپس تبدیل به مثنوی می‌شود و در نهایت با نیمایی خاتمه می‌یابد. البته وزن و بحر شعر از ابتدا تا انتهای کار یکسان است و تغییر نمی‌کند. از آن‌جا که مبنای ترانه، موسیقی است، این فراز و فرود به زیبایی شعر کمک می‌کند و مخاطب هم آن را می‌پسندد.»

به عنوان مثال، ترانه‌ی زیر را از کتاب «بازی با انگشت‌ها» می‌خوانیم که با چهارپاره شروع شده و سپس تبدیل به مثنوی می‌شود:

اولی را باد برد
دومی را بزی خورد
سومی پژمرده شد
چهارمی پیر شد و مرد

پنجمی گفت: من می‌مانم
راهش را هم خوب می‌دانم
می‌رم تو خاک کنار آب و دانه
ریشه می‌شم زود می‌زنم جوانه
دوباره یک بوته می‌شم گل می‌شم
خوشبو می‌شم رفیق بلبل می‌شم
(رحماندوست- بازی با انگشت‌ها)

از شاعران کودک و نوجوان، از چند سال پیش، شروع به تجربه‌ی سرودن شعر بی‌وزن برای این طیف از مخاطبان کردند. که از آن جمله می‌توان به دو کتاب «بادکنک به شرط چاقو» و «چه کسی کلاغ را اختراع کرد» سروده‌ی علی‌اصغر سیدآبادی اشاره کرد.

انتشار این کتاب‌ها از همان آغاز واکنش‌های مختلفی را در پی داشت و بسیاری از شاعران مطرح کودک و نوجوان با تأکید بر این نکته که «وزن و قافیه» جزء عناصر و ویژگی‌های ضروری و لاینفک شعر کودک و نوجوان است، به انتقاد از این سروده‌ها پرداختند و سرودن شعر بی‌وزن و قافیه را برای کودکان به چالش کشیدند. در ذیل یکی از این سروده‌ها را می‌خوانیم:

می‌چرخد

و می‌چرخد

و می‌چرخد

پیراهن گل‌گلی‌ام

توی ماشین لباس‌شویی

چه قدر خوب که

من تویش نیستم

می‌رقصد

و می‌رقصد

و می‌رقصد

پیراهن گل‌گلی‌ام

در باد

روی بند رخت

حیف که من تویش نیستم!

(سیدآبادی - بادکنک به شرط چاقو)

سیدآبادی درباره‌ی این سروده‌ها می‌گوید:

«بیش‌تر این شعرها حاصل همکاری یا بازی من با دخترم بود.» به اعتقاد او آنچه این شعرها را از سایر شعرهای کودک متمایز می‌کند، در وهله‌ی اول بی‌وزن بودن آن نیست، بلکه غالب شدن نگاه کودکانه و نزدیک شدن به ذهنیت کودکان است. به گفته‌ی او در این شعرها راوی «کودک» است. بر خلاف اغلب شعرهای کودک و نوجوان ما که راوی در آن یک بزرگسال است و در صندلی بالاتر از کودک نشسته و از موضع بالا با او حرف می‌زند و در واقع حضوری اقتدارگرا دارد.^۴ سیدآبادی معتقد است:

«به نظر من قالب در شعر مهم نیست، من فکر می‌کنم می‌توان برای کودکان شعرهای متفاوتی گفت؛ غزل، نیمایی، سپید و حتی قصیده هم می‌توان برای کودک کار کرد. اما در این نوع شعرها (شعر بی‌وزن) چیزهایی وجود دارد که ممکن است نتوان آن‌ها را در شعر ریتیمیک آورد. از جمله یک نوع تخیل شیطنت‌آمیز که فکر می‌کنم اسم آن را می‌توان گذاشت بازی یا شیطنت. به نظر من قالب‌های

شعر موزون ما ظرفیت لازم برای تخیل شیطنت‌آمیز را ندارند.»^۵

او درباره‌ی استقبال یا عدم استقبال بچه‌ها از این نوع شعر می‌گوید:

«این مسئله بستگی به تعریف مخاطب از شعر دارد. ممکن است کودکان ما یک تعریف و برداشت سنتی از شعر داشته باشند، تعریفی که به آن عادت کرده‌اند، طبیعی است که هر چیزی که با عادت‌های ما جور نباشد نسبت به آن واکنش نشان دهیم.»

من این شعرها را در یک مدرسه‌ی ابتدایی در کلاس فوق‌العاده برای بچه‌ها خواندم و استقبال شد. بچه‌ها از طنز و شیطنتی که در آن بود لذت می‌بردند، اما این مسئله که آیا بچه‌ها این‌ها را شعر می‌دانند یا نه، مسئله‌ی دیگری است که می‌توان به آن پرداخت. مسئله‌ی دیگر هم این است که اگر این شعرها توسط بچه‌ها خوانده شود چه واکنشی نشان خواهند داد؟»

اما مصطفی رحماندوست، سرودن شعر بی‌وزن و سپید را برای کودکان و خردسالان (دبستان و پیش‌دبستان) مناسب نمی‌داند. او معتقد است: «شعر سپید هنوز برای بزرگ‌ترها جا نیفتاده. اما می‌توان برای آشنا شدن بچه‌ها، آن هم فقط برای نوجوانان اهل شعر، دست به چنین تجربه‌هایی زد.» وی یک مجموعه شعر سپید برای نوجوانان را در کانون پرورش فکری زیر چاپ دارد.

بابک نیک‌طلب نیز از شعر موزون دفاع می‌کند و می‌گوید: «وزن و قافیه یک امکان است که در شعر کلاسیک وجود دارد. حیف است که ما از این قابلیت و امکان برای کودکان استفاده نکنیم.»

او درباره‌ی شعرهای بی‌وزن می‌گوید:

«باید دید کسانی که در این قالب دست به تجربه زده‌اند تا چه حد در این راه جدی هستند. آیا فقط به دنبال ساختن یک جریان خاص هستند و یا این یک حرکت درست، جدی و راه‌گشا در عرصه‌ی تغییر و تکامل قالب شعر کودک است. گذشت زمان و استقبال یا عدم استقبال مخاطبان، در این مورد قضاوت خواهد کرد.»

پی‌نوشت:

- ۱ - فرهنگ اصطلاحات ادبی. سیما داد، مروارید، تهران: چاپ سوم، ۱۳۷۸
- ۲ - از این باغ شرقی. پروین سلاجقه، کانون پرورش فکری، چاپ اول، ۱۳۸۵
- ۳ - پیش از آن اشعاری که ایرج میرزا. عباس یمنی‌شریف؛ یحیی دولت‌آبادی و... برای کودکان سروده بودند بیش‌تر در قالب مثنوی بود.
- ۴ - گفت‌وگوی علی‌اصغر سیدآبادی با سایت هزار کتاب
- ۵ - گفت‌وگوی علی‌اصغر سیدآبادی با روزنامه قدس، مرداد ۱۳۸۷